

گرفتاری مردم در میانه اقتصاد و فرهنگ!

همیشه بحث اولویت میان معاش و معاد، علم و ثروت، اقتصاد و فرهنگ، نان و شعر و ... برای بشر در هر زمانه‌ای مطرح بوده است و خواهد بود. این‌که به کدام توجه کنیم تا به دیگری برسیم، بسته به شرایط زمانه متفاوت و متغیر است.

در جامعه امروزی ما نیز، هم متأثر از مبانی فرهنگی و هم درگیر با شاخص‌های اقتصادی، همیشه کشمکش‌هایی میان این دو سویه بنیادین زندگی بشری وجود داشته است اما این‌که موضوع در اندازه فردی ارزیابی شود یا اجتماعی، در سنجه سویه این موضوع، درک زمان بسیار مهم می‌نماید.

تایستان در راه است و زمانه آزاد شدن بسیاری از مردم از الزامات تحصیلی فرارسیده است. همه دست اندرکاران عرصه فعالیت‌های فرهنگی، در تکاپوی برنامه‌ریزی برای استفاده از زمان فراغت ایجادشده هستند. یعنی فعالیت فرهنگی و امکانات فرهنگی را با حداکثر ظرفیت به کار می‌گیرند تا در پیامدش، بهره اقتصادی وافر به نسبت ایام دیگر سال ببرند. درک این شرایط، برای هرکسی که در این زمینه دخیل است، بسیار مهم می‌نماید.

جامعه ما نیز، در شرایط فعلی، نیازمند همبستگی بیشتر است تا تفرقه. باید جلوتر از مردم، ساختارهای حاکمیتی، هماهنگی بیشتری داشته باشند تا وظیفه خدمت به مردم، به خصوص در ایام پیش‌رو و هر روزی مشابه این، به صورت کامل ادا شود. هر خلیی در این میان، به ساختار برمی‌گردد و نه مردم.

۲۱ خرداد ۱۴۰۲ خبری منتشر شد که به دلیل قطع آب پردیس سینمایی ملت، فعالیت آن متوقف شد و در خبری دیگر مطلع شدیم که در حال عودت مبالغ برداختنی از سوی مردم هستند. قطع آب به اختلاف و ناهماهنگی میان پردیس و سازمان آب برمی‌گردد و البته خبر عودت مبالغ مخاطبان پردیس، احتمال زمانیر بودن رفغ این مشکل را مطرح می‌کند. اختلاف مالی میان دو مدیریت، در محدوده ۴- ۳ میلیارد تومان است ولی خسارت مادی حاصل از تعطیلی پردیس، که یکی از پرتماشاگرترین پردیس‌های سینمایی کشور است، بسیار فراتر از این رقم خواهد بود. ضمن آن‌که محاسبه خسارت فرهنگی هر ثانیه و هر دقیقه تعطیلی این پردیس سینمایی کار ساده‌ای نیست.

آیا الان موقع اقدام چکنشی برای بهره‌وری اقتصادی آن هم در اندازه این رقم نایج بود؟ کسی در ساختار شاکی وجود ندارد که با رعایت ضرورت فعال بودن این مجموعه فرهنگی، راه بهتری برای رفغ مشکل پیشنهاد دهد؟ نمی‌شد از مراجع بالادستی برای هماهنگی میان این دو نهاد و تعریف روش رفغ مشکل استفاده کرد تا یک پردیس سینمایی در این روزها که سینما به‌تدریج در حال پذیرش بیشتر تماشاگر به نسبت سال گذشته است، تعطیل نشود؟ چرا در برخورد با مجموعه‌های فرهنگی، روش فرهنگی اتخاذ نمی‌شود؟ چرا همیشه در کشمکش میان دستگاه‌ها و ساختارها، مردم باید آسیب ببینند؟ کمی به خود آییم و در این موارد، کار را فراتر از انجام وظیفه یک کارمند و مدیر در بخش مالی ببینیم. به ضرورت درگیر بودن مردم با محصولات و مجموعه‌های فرهنگی داخلی ببندیشیم، که بسیار سالم‌تر از سوق دادن آنان به سمت ابزارها و فضا‌های نامطمئن دیگر است.

این مشکل را میان سازمان آب و مجموعه تصویرشهر، میان سازمان آب و شهرداری تهران، میان وزرای عضو هیات‌امنای سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران که تصویر شهر متعلق به اوست یا وزیر نیرو حل کنيد و مردم را از امکانات سالم فرهنگی محروم نکنید.

بد نیست به ضرورت وجود یک مشاور فرهنگی در ساختارهای اقتصادی، برای مواقع این چنینی ببندیشیم تا راه فرهنگی بدهد.

شورای پروانه نمایش فیلم‌های غیرسینمایی در جلسه اخیر با صدور پروانه نمایش شش عنوان فیلم بلند داستانی «تنهایی‌ماه» به تهیه‌کنندگی وحید بیطرفان و کارگردانی محمود مقامی، «ترکسی» به تهیه‌کنندگی شهاب حسینی و کارگردانی پیام اسکندری، «زندگی شیرین» به تهیه‌کنندگی مجید صدیقی و کارگردانی مجتبی اسبنانی، «درون ماهی» به تهیه‌کنندگی مسعود وزیری و کارگردانی بهزاد وزیری، «تداخل»

صدور مجوز برای ۶فیلم و ۷ مستند

به تهیه‌کنندگی هادی رمضانپور و کارگردانی رضا صفری و «صفر و دردانه‌اش» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی یونس پهبودی موافقت کرد. همچنین هفت اثر مستند «داستان ناتمام یک حزب» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدمهدی دزفولی، «من ۳۲۴ بودم» به تهیه‌کنندگی سحر جعفری جوزانی و کارگردانی مهدی حاجی‌یوسف، «دختر بابا» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مهسا احمدزاده، مجموعه مستندهای عهد، شاهد، بصیر، روایت و

گفت‌وگوی «جام جم» با مهران مهدویان، کارگردان فیلم «پروا»

سوژه‌های اجتماعی تکراری نمی‌شود!



این‌که روایت غیرخطی را برای ساخت این فیلم انتخاب کردم پشیمان نیستم و حتی در نظر دارم برای فیلم بعدی‌ام هم همین نوع روایت را البته کمی پخته‌تر ادامه دهم.

۴. بنابرین خودتان هم اذعان دارید که ابتدای فیلم‌تان برای مخاطب عام تعلیق زیادی به همراه دارد؟

قبل از اکران عمومی، فیلم را برای افراد مختلفی به نمایش گذاشتم که بعضی از آنها دوست داشتند و بعضی نه. خیلی برام عجیب نبود که در ابتدای فیلم تماشاگر به قول معروف گارد بگیرد. روایت غیرخطی را دوست دارم اما در اینجا سلیقه مخاطب هم بسیار دخیل است؛ این‌که این‌گونه روایت را دوست دارد یا خیر. ضمن این‌که من به عنوان کارگردان یک روایت غیرخطی موظف هستم داستانم را به گونه‌ای روایت کنم که مخاطب خسته نشود و با شکل گرفتن داستان متوجه‌کلیت آن شود.

۵. از شرایط اکران فیلم‌تان در گروه هنر و تجربه راضی هستید؟

برای دومین بار است که فیلمم را در گروه هنر و تجربه اکران می‌کنم. البته فیلم «هفت مجرد» را هم به کارگردانی محمدحسام حدادیان تهیه کردم که قرار است تا چندماه آینده در گروه هنر و تجربه اکران شود. در کل از اکران فیلم‌هایم در گروه هنر و تجربه راضی هستم. این گروه برای اکران بهتر تمام تلاش خود را می‌کند اما تعداد سینماها و سانس‌های اکران بسیار محدود است. تماشاگر فیلم‌های گروه هنر و تجربه تکلیفش با خودش مشخص است و سینما را تخصصی دنبال می‌کند. من در هر دو تجربه اگرما و پروا می‌دانستم فیلم‌هایی برای سینمای بدنه ساختم و طبعاً توقع فروش چشمگیری در گیشه نداشتم. در حال حاضر در سینمای گیشه بیش از هر چیز فیلم‌های کم‌دی موفق هستند و آثاری چون پروا شانس چندانی در بین این آثار ندارند. به همین دلیل فکر می‌کنم گروه هنر و تجربه بستری مناسب‌تر برای اکران این‌گونه فیلم‌هاست. نظراتی که از مردم به خصوص در فضای مجازی می‌گیرم، خستگی‌ام را درمی‌کند. این‌که مردم داستان فیلم را پذیرفته‌اند و آن را باور کرده‌اند، برام خوشایند است.



می‌شود. نوع بیان واکت‌هایش در اوج تلخی داستان، مخاطب را زچرخش نمی‌کند و حتی در بخش‌هایی به مخاطب امید هم می‌دهد...

تلخی همیشه با ما همراه است؛ به دلیل اتفاقات و آنچه پیرامون‌مان می‌گذرد. هر آن‌که نسبت به پیرامونش بی‌تفاوت نباشد خواه ناخواه کمی تلخ می‌شود اما تصور شخصی من این است که هیچ زندگی‌ای در تلخی کامل فرو نرفته و حتماً رگه‌ای از نور هست. کما این‌که در پروا هم راجع به عشق حرف زدم و خسرو را می‌بینیم که از دل تمام سیاهی‌هایی که گرفتارش است، برای عشقش تلاش می‌کند. این نقطه روشنی است که به هر حال در زندگی تمام انسان‌ها وجود دارد و باید به سمت آن بروند. قرار نیست من به عنوان فیلمساز کاراکترهای راگوشه رنگ بگذارم. عشق خسرو به پروا نقطه روشنی این فیلم است. برای این‌که به تماشاگر امید بدهم و بگویم زندگی تمام نشده است.

۶. چرا روایت غیرخطی را که در سینمای ایران باب هم نیست انتخاب کردید و از فیلمسازی چون آخاندرو گونزالز: اینا ریتو که اغلب آثارش را در سبدهای غیر خطی زمان روایت می‌کرد الگو گرفتید؟

انتخاب روایت غیرخطی در پروا صرفاً به دلیل علاقه‌ام به سینمای ایناریتو نبوده و کارکرد محتوایی نیز دارد. البته ایناریتو جزو فیلمسازان مورد علاقه من است و همیشه سینمایش را با اشتیاق دنبال کرده‌ام اما در فیلمسازی از او تقلید نمی‌کنم. کلاً روایت غیرخطی برایم جذاب است اما انتخاب این فرم در این فیلم‌نامه به این دلیل است که پروا قصه یک شرایط بسیار آشفته را روایت می‌کند و در این فیلم می‌بینیم آدم‌ها در شرایطی آشفته مسیری را پیش می‌روند. در مجموع فکر می‌کنم این ساختار روایت غیرخطی به ایجاد محتوای فیلم کمک می‌کند. قبول دارم حدوداً ۷۵ دقیقه اول فیلم برای مخاطب گنگ است و بعد از آن است که رفته رفته دستگیری‌ش می‌شود مثلاً سکانسی که دقیقه ۵ دیده به چه معناست. بنابر این تماشاگر کم‌حوصله در ابتدا نسبت به فیلم گارد می‌گیرد اما آنها که حوصله بیشتری دارند آن را دنبال می‌کنند و متوجه جذابیت‌هایش می‌شوند. کلاً از

واقعی تر شدن کاراکتر خسرو خیلی زحمت کشید. پروا، دومین همکاری من با حسام بود و باتوجه به تجربه خوبی که از او در اگرما داشتم، می‌خواستم در دومین کارم هم این همکاری را تکرار کنم. حضورش در این فیلم بسیار موثر بود و متأسفم او را این قدر زود از دست دادم.

۷. مسیر قصه‌گویی کمی، بیشتر روی تلخی‌های روزگار تمرکز دارد. تلخی‌های زندگی خسرو را می‌بینیم و روزگارش را که پر از تنهایی است، اما فیلم در عین این همه تلخی که به مخاطب ارائه می‌کند به تماشاگر حسن له شدن را نمی‌دهد. البته نوع بیان و بدن بازیگران هم در کاستن از تلخی‌ها موثر است. مثلاً وقتی مرحوم حسام محمودی به شدت درگیر مشکلات



در فیلم موفق معیارهای مختلفی موثر است. قطعاً گیشه پر فروش از عوامل مهم در موفقیت یک فیلم است، اما این نکته به این معنا نیست هر فیلمی که خوب بفروشد، موفق است

۸. کمی درباره ایده فیلم حرف بزنیم. این‌که ایده آن از کجاشکل گرفت و چطور به فیلم‌نامه تبدیل شد؟

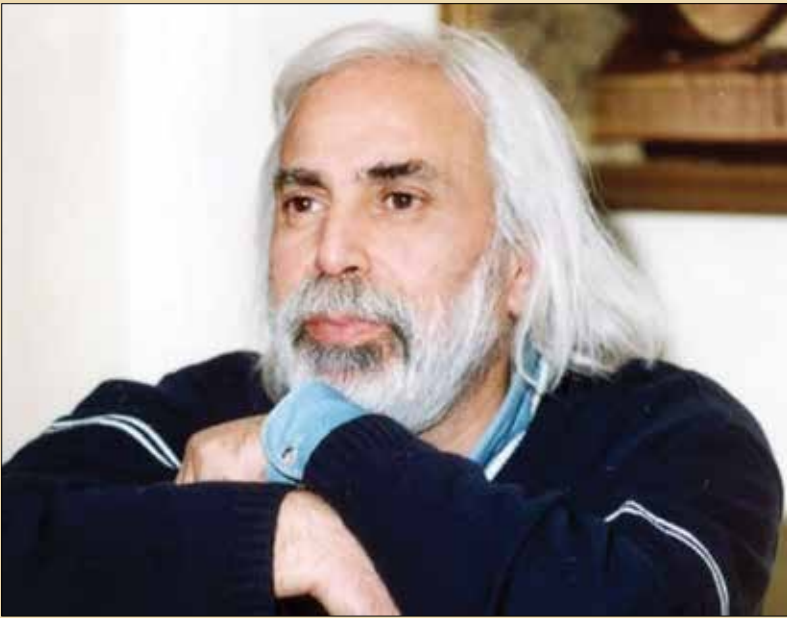
همیشه به مسائلی مثل مهاجرت، مشکلات اقتصادی، شغل‌های کاذب و... که ذاتاً تلخ هستند فکر می‌کنم. پروا درباره خسرو، پسر۱۰ ساله است که شغل چندان مناسبی ندارد. او عاشق دختری به نام پرواست، اما با توجه به مشکلات زندگی‌اش سعی می‌کند شرایط شغلی‌اش را تغییر دهد و پیرو آن با مشکلاتی مواجه می‌شود. آدم‌های فیلم مطلقاً خیر و شر نیستند. چون فکر می‌کنم همه ما خاکستری هستیم و همان قدر که می‌توانیم در زندگی گناهکار باشیم، می‌توانیم کاملاً منزه و مثبت هم رفتار کنیم. اساساً شخصیت‌های خاکستری در دنیای سینما شخصیت‌هایی واقعی‌تر و باورپذیرتر هستند. اگر گذشته آدم‌هایی را که به نوعی از آنها به عنوان انسان‌هایی شرور یاد می‌کنیم مرور کنیم در بخش‌هایی از زندگی‌شان می‌بینیم که کاملاً در تضاد با آنچه از آنها می‌شناسیم عمل کرده‌اند.

۹. کلاً فیلم موفق از نظر شما چه فیلمی است؟ در فیلم موفق معیارهای مختلفی موثر است. قطعاً گیشه پر فروش از عوامل مهم در موفقیت یک فیلم است، اما به این معنا نیست هر فیلمی که خوب بفروشد، موفق است. خیلی از فیلم‌ها در طول تاریخ سینما بوده‌اند که در زمان اکران‌شان چندان مورد استقبال مخاطب قرار نگرفته‌اند اما بعدها ارزش هنری‌شان شناخته شد. هر چند برای هر کارگردانی

تولد یک آهنگساز برجسته

اگر بابک بیات زنده بود امروز ۷۷ ساله می‌شد. بابک بیات، آهنگساز فیلم‌های ایرانی موسیقی فیلم را با فیلم «غریبه» که با همراهی واروژان ساخته شد شروع کرد.

بعد از فیلم غریبه، بیات موسیقی فیلم‌های مرگ یزدگرد، نقطه ضعف، ریشه در خون، کشتی آنجلیکا و جهان پهلوان تختی را ساخت و برای حدود ۹۰ فیلم سینمایی موسیقی فیلم نوشت. آخرین سریالی که او برای آن موسیقی ساخته است سریال «ولایت عشق» است. بیات به علت نارسایی کبدی در تهران درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) به خاک سپرده شد.



جشنواره

حضور سینمای ایران در بازار فیلم شانگهای



غرفه بنیاد سینمایی فارابی در نخستین روز برپایی بازار فیلم جشنواره شانگهای میزبان خهون چونن، دبیر این جشنواره جهانی بود. خه ون چونن، دبیر فستیوال شانگهای در نخستین روز از برگزاری بازار فیلم این جشنواره، بعد از بازدید از غرفه نهاد ملی سینمای ایران، با راند فریدزاده، معاون امور بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی و علیرضا اسماعیلی، مدیرکل حوزه ریاست سازمان سینمایی به گفت‌وگو نشست. گفت‌وگوی این دو موضوعات متعددی در حوزه فیلم و سینما را در بر می‌گرفت که گسترش همکاری‌های جشنواره‌ای بین چین و ایران، حضور فعال‌تر ایران در بیروز «یک راه یک کمربند»، استقبال از پیشنهاد ایران در زمینه تأسیس اتحادیه سینمایی کشوره‌ای عضو گروه شانگهای و همچنین اظهار امیدواری درباره این‌که فستیوال شانگهای بستر مناسب‌تری برای عرضه آثار سینمایی و صنعت تصویر ایران باشد را می‌توان از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده از جانب طرفین عنوان کرد. فستیوال شانگهای و بازار فیلم یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های آسیایی و بین‌المللی به‌شمار می‌آید.

رویداد

تمدید مهلت ارسال آثار به جشنواره فیلم «مادر»



در پی استقبال فیلمسازان و عکاسان شورای و علاقه‌مندان فیلم کوتاه و با تصمیم شورای سیاست‌گذاری این جشنواره متشکل از مهدی مسعودشاهی، مریم جلالی، ابوالفضل همرا، مهدی یارمحمدی، حسین نظری، مریم پیرکاری، محسن الطافی و مینا مقرب‌صدی مهلت ثبت و ارسال آثار در سایت جشنواره ملی «مادر» تا ۲۵ تیرماه تمدید شد. دبیرخانه این دوره از جشنواره که در دو بخش اصلی فیلم کوتاه و عکس برگزار می‌شود بیش از ۳۰۰ فیلم کوتاه و حدود ۲۸۰ اثر عکاسی دریافت کرده است. مفهوم مادر و مادری و نقش و جایگاه مادر در خانواده، زندگی شهری، سلامت روانی جامعه و سایر ابعاد زندگی، مادر در اقوام ایرانی، مادران انتظار و ... برخی از موضوعات جشنواره مادر است. همچنین مسابقه پویش «مادر دوست‌داشتنی من به روایت فیلم» نیز از دیگر بخش‌های این رویداد فرهنگی است. سومین جشنواره ملی فیلم و عکس «مادر» به دبیری منصوره مصطفی‌زاده و با مشارکت اپلیکیشن رویکا، معاونت امور فرهنگی و اجتماعی متروی تهران و موسسه تصویر شهر همراه سال جاری برگزار خواهد شد./ مهر